

ادامه از صفحه اول

تأثیر برجام بر قانون گذاری کنگره

... یا تهدید رئیس‌جمهور به اِعمال «وتو» یا با کارشکنی طرفداران برجام در درون کنگره یا با فشارهای آشکار و پنهان دیپلماتیک با استفاده از اهرم برجام ناکام مانند. در همین راستا. هفته گذشته، جن شاکوسکی، نماینده دموکرات کنگره از ایالت ایلنوی، اطمینان داد طرح «قانون ممانعت از فروش بوتینگک به ایران» نیز، مانند هر طرح دیگری که مغایر با برجام باشد، به سرانجام نخواهد رسید، به واقع، جریان ضدایرانی و لابی‌های صهیونیستی در واشنگتن که پس از دو دهه تلاش و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در کاپیتول هیل، توانسته بودند امر قانون‌گذاری در رابطه با ایران را عملا در دست بگیرند، امروزه قدرت‌شان را – به اعتراف خودشان – در حد «نمایش قانون‌گذاری» – یا ادای قانون‌گذاری برای ایجاد جنگ روانی – تقلیل یافته می‌بیند. اذعان به این واقعیت جدید می‌تواند برای سرمایه‌گذاران خارجی که مایلند وارد بازار ایران شوند به‌شدت اطمینان‌بخش باشد. در نتیجه، لازم است مسئولین کشور، برای بهره‌برداری حداکتری از ظرفیت به‌وجودآمده، دست‌کم سه اقدام را مدنظر داشته باشند: اول اینکه لازم است وزارت امور خارجه و سایر نهادهای مسئول جذب سرمایه خارجی، این وضعیت جدید یا این «توان تقابلیافته» کنگره را به سرمایه‌گذاران خارجی، در جلسات بسته و علنی به وضوح نشان دهند و مکررا یادآوری کنند. حقیقت این است هر طرح قانونی که با جنجال در کنگره مطرح می‌شود و متعاقبا در برابر «برجام» فرو می‌نشیند، به مثابه امتیاز مثبتی است که باید به نفع ایران در جدول محاسبات سرمایه‌گذاران خارجی ثبت گردد تا به‌تدریج ناتوانی کنگره برای سرمایه‌گذاران مشتاق، محرز شود. اثبات این وضعیت جدید در آمریکا نیز کار مشکلی نیست. کافی است الگوی رفتاری و شیوه قانون‌گذاری کنگره را در دوران پیش از برجام با آنچه امروز شاهدش هستیم مقایسه کنند. دوم اینکه، همان‌طور که ذکر شد، بعد از برجام، کنگره آمریکا از یک قابلیت حقیقی و یک ظرفیت آسیب‌رسانی واقعی که با قانون‌گذاری محقق می‌شد – به اذعان شاخص‌ترین چهره‌های خود – به یک قابلیت مجازی و یک ظرفیت آسیب‌رسانی «روانی» تنزل پیدا کرده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذاران ضدایرانی آمریکا، بیش از اینکه بتوانند مانند گذشته از سلاح «قوانین الزام‌آور» و قوانین فرامرزی Extraterritorial laws علیه ایران استفاده کنند، برای آسیب‌رسانی به اجرای کامل برجام و کارشکنی در امر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، به ناچار به ابزار «فصلاسازی» روی آورده‌اند. طبیعتا، برای مقابله با آن‌ها و نیز خنثی‌سازی برنامه‌هایشان، مقامات رسمی ایران باید با همان ابزار «فصلاسازی» راه را برای سرمایه‌گذاران خارجی هموار کنند. در این راستا، هرگونه اقدام یا اظهار موضعی از سوی مقامات مسئول که تداعی‌گر «بی‌ثباتی فضای داخلی»، «موقت‌بودن برجام» یا «شکست برجام» باشند، تنها به تقویت قابلیت‌های باقی مانده قانون‌گذاران متخاصم آمریکایی کمک خواهد کرد. سوم اینکه لازم است رسانه‌های داخلی – به ویژه رسانه ملی – به افکار عمومی داخل کشور این حقیقت را یادآوری کنند که خنثی‌سازی تحریم‌های پیچیده و چندلایه گذشته، مستلزم اقدامات پیچیده و چند لایه‌ای است که خوشبختانه «برجام» زمینه آن را فراهم کرده است. افکارعمومی باید بداند امروز به برکت برجام، جریان‌ها و کشورهای متخاصم از بسیاری از اهرم‌های گذشته خود – مانند اهرم قانون‌گذاری در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی – محروم شده‌اند و دیگر به هیچ عنوان قابلیت آسیب‌رسانی گذشته را ندارند. اما اجرای کامل برجام و بهره‌برداری از مزایای اقتصادی آن، مستلزم شکستن لایه‌های قانونیه تحریم‌ها – یا همان لایه «فضای روانی» – است که حفظ و تشدید آن امروزه در اولویت برنامه‌های جریان متخاصم در واشنگتن قرار گرفته است. در نتیجه، اطلاع‌رسانی داخلی نیز باید پیرو این اصل باشد که هر آن‌قدر به حاصل‌خیزبودن «برجام» ایمان داشته باشیم، همان‌قدر از آن بهره خواهیم بُرد.

شرق؛ پای دلالات به حوزه بازیافت هم باز شد، اما اینجا را

خودمان خراب کردیم، درحالی‌که کشورهایی مانند هند و چین حمایت‌های گسترده‌ای از صنعت بازیافت خود دارند و این حمایت‌ها موجب می‌شود، دلالات از این دو کشور برای تأمین مواد اولیه خود (پسماند) راهی ایران شوند، در کشور ما این صنعت با ارزش افزوده قابل‌توجه، مجبور به پرداختن مالیات است و همین امر موجب شده توجیه اقتصادی برای فعالان بازیافت، وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی پیمانکاران شهرداری‌ها اغلب به کمک دلالات، بازار سیاه ایجاد می‌کنند و قیمت تمام‌شده این کالا به حدی بالا می‌رود که برای تولیدکننده داخلی پرداختن به آن، صرفه ندارد. در غیاب حضور صنعتگران بازیافت ایرانی، خارجی‌های عمداً چینی و هندی، به سبب ارزآوری‌ای که با خرید مواد اولیه از ایران دارند، مورد حمایت قرار می‌گیرند و حتی در ایران نمایندگی می‌زنند. سیدتوحید صدرنژاد، دبیر اتحادیه صنایع بازیافت، در گفت‌وگوی خود با «شرق» از مصائب این صنعت و مزایای حضورنداشتن فعالان این صنعت در ایران برای دلالات خارجی می‌گوید. به گفته او، اگر از صنعتگران ایرانی در این حوزه حمایت‌ها صورتگیرد، هندی و چینی در کشورشان حمایت‌ها می‌کنند، شاید آن‌موقع ایرانی‌ها هم بتوانند در کشور عراق نمایندگی برزند و اقدام به خرید مواد اولیه از این کشور و انتقال آن به ایران کنند.

ایران در حوزه اقتصاد سبز در چه رتبه‌ای قرار دارد؟

در اینجا بهتر است در ابتدا نگاهی در سطح جهانی به این موضوع بیندازیم؛ نگاهی که به مقوله حفظ محیط زیست در دو دهه قبل می‌شد، این بود که عده‌ای از محیط زیست برداشت می‌کنند و به آن آسیب می‌زنند؛ بنابراین باید با جرمیه و ایجاد محدودیت، جلوی تخریب محیط زیست را بگیریم. این دکترین مدیریت زیست‌محیطی است که امروز متأسفانه در ایران هنوز حاکم است، موجب شد عده‌ای راه‌های قرار از قانون و چارچوب نظارتی را یاد بگیرند و با فرار از آنها به محیط زیست ضربه بزنند. کشورهای صنعتی حدود ۲۰ سال پیش، برای خروج از این وضعیت همان فلسفه «اگر فعالیتی توجیه اقتصادی نداشته باشد، خودبه‌خود اتفاق می‌افتد» را پیش گرفتند؛ بنابراین چارچوبی با عنوان اقتصاد سبز شکل گرفت؛ اقتصاد سبز شامل فرایندهای اقتصادی‌ای است که منجر به ازبین‌رفتن آثار منفی حیات بشر در حوزه خاک، آب و انرژی در کره زمین می‌شود. اروپا و در رأس آن آلمان حدود ۲۵ سال پیش این موضوع را به‌صورت جدی پیگیری کردند که همین کار سبب شد اکنون شش درصد اقتصاد آلمان از آن اقتصاد سبز باشد، اما آمریکا از آغاز دوره ریاست‌جمهوری اوباما به این مسئله بها داد که سبب شد اکنون اقتصاد سبز حدود چهار درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها را دربر بگیرد. همچنین ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی جمهوری خلق چین به اقتصاد سبز تعلق دارد.

درواقع چین، رتبه اول را در این زمینه دارد؟

چین کشوری است که آن را رتبه اول در تخریب محیط زیست می‌دانیم؛ اما اکنون یکی از بهترین برآیندها در حوزه بازیایی محیط زیست دارد. بهبود وضعیت در این کشور از طریق اهرم‌های اقتصادی رخ داده است؛ برای مثال به شرکت‌هایی که محیط زیست را آلوده می‌کنند، در ازای کاشت جنگل معافیت مالیاتی داده‌اند. در ایران در خوش‌بینانه‌ترین شرایط، سهم اقتصاد سبز در تولید ناخالص داخلی زیر ۰٫۲ درصد است؛ آن‌طور که دولت می‌گوید ۰٫۵ است؛ اما برآوردها نشان می‌دهد، این سهم از ۰٫۲ درصد بالاتر نمی‌رود. با اینکه ما در ایران، هم صنعت بازیافت داریم، هم میلیون‌ها دلار ماشین‌آلات مدرن برای توسعه صنعت بازیافت خریداری کرده‌ایم؛ اما این ماشین‌آلات با تمام ظرفیت کار نمی‌کنند، در نتیجه هنوز نتوانسته‌ایم این سهم را در اقتصاد افزایش دهیم.

چرا؟

اصلی‌ترین دلیل آن، سیاست‌های بالادستی است. هر ایرانی در یک سال ۲۹۲ کیلوگرم پسماند تولید می‌کند که ۸۰ درصد آن پسماند تر و ۲۰ درصد پسماند خشک است. تاکنون بهترین عملکرد ما در صنعت بازیافت حدود ۱۰ درصد است که در حوزه پسماندهای تر در بهترین شرایط،

اقتصاد

بازار بازیافت تقدیم چینی‌ها و هندی‌ها شد

دست دلالات خارجی در دست پیمانکاران شهرداری



عکس: مهدی حسینی

حالا چرا دلالات خارجی به این سهولت می‌توانند وارد بازار بازیافت ایران شوند؟

صنعت بازیافت در کشورهای دیگر مورد حمایت است و دولت به آنها یارانه می‌دهد و از مالیات معاف هستند. به همین دلیل قیمت تمام‌شده بازیافت در کشورهای دیگر نسبت به ایران پایین‌تر می‌شود. بنابراین برای آنها صرف می‌کند که با قیمت بالاتر، ماده اولیه بازیافت را از بازار کشورهای دیگر بخرند. حمایت دولت‌های هند و چین سبب می‌شود بازیافت‌کننده‌های هندی و چینی به چند کشور همسایه بروند و مواد اولیه تهیه کنند.

مشکل سیاست‌های بالادستی در حوزه اقتصاد سبز کجاست؟

اقتصاد سبز در تمام کشورهای پیشرو دنیا، از مالیات معاف است. نگاه دولت‌ها آن است که اگر به صنعت سبز بها داده شود و این صنعت رونق یابد، عملاً هزینه‌های ثانویه بهداشتی و زیست‌محیطی دولت‌ها کاهش پیدا می‌کند. اگر پسماندها بازیافت شوند، شریابه به آب ثبت نمی‌کند و در این حالت، بیمار ییام نمی‌شود و در پی آن انسان هم بیمار نخواهد شد. برای مثال یک کیلو زباله شهری، ۲۰۰ سی‌سی شریابه تولید می‌کند که آن هم می‌تواند شش متر مکعب آب را آلوده کند، این شش متر مکعب هم می‌تواند صد راس دام را آلوده کند. اگر در نظر بگیریم به‌طور متوسط هر دام ۵۰ کیلوگرم وزن داشته باشد و انسان ۲۰۰ کیلوگرم گوشت مصرف کند، تعداد بسیار زیادی انسان هم آلوده می‌شوند. متأسفانه در ایران به این موضوع کم‌توجه هستیم و صنعت بازیافت در ایران از مالیات معاف نیست، چه‌بسا شدیدتر از صنایع دیگر هم از این صنعت مالیات دریافت می‌شود، به‌واسطه اینکه مرجع تعیین دولت اولیه این صنعت، مراجع غیررسمی است و مراجع غیررسمی هم فاکتور ارائه نمی‌دهند و به همین دلیل هزینه‌های تأمین مواد اولیه غالباً از سوی سازمان امور مالیاتی تأیید نمی‌شود و آنها باید برای مایه‌التفاوت خرید و فروش، مالیات بر ارزش افزوده بدهند. از طرفی کشورهای پیشرفته به این علت که صنعت بازیافت در اغلب موارد غیراقتصادی است، از سوی دولت به آنها هزینه بازیافت پرداخت می‌شود و با دریافت هزینه بازیافت از مصرف‌کننده و پرداخت آن به بازیافت‌کننده، این فعالیت توسعه می‌یابد. آنچه در اسناد پایین‌دستی قانون مدیریت پسماند در نظر گرفته شده، نیم در هزار ارزش کالاست؛ این رقم برای خودروی پراید، ۱۰ هزار تومان است که بازیافت آن را توجیه نمی‌کند. آن بخشی که سود دارد، در شبکه‌های سوداگری مصرف می‌شود و بخش‌های دیگر به نحوی از سر بازیافت‌کننده باز می‌شود. موضوع سوم، اصل نبود شفافیت سازوکارهای بازار است. در برخی از کشورهای پیش‌رو، خریدوفروش بازیافت ممنوع است؛ اما در برخی بازیافت در داخل کشور کنیم. نمی‌توان گفت پای دلالات از این صنعت کوتاه می‌شود، اما تعادلی در آن قطعاً ایجاد خواهد شد. وقتی صنعت بازیافت در ایران بهتر فعالیت می‌کند، ممکن است در آن زمان عملاً برای دلالات صرف نکند مواد اولیه را از کشور خارج کند و هزینه‌های حمل را کنار بگذارد و در داخل کشور این مواد اولیه را فرآوری کند.

شما گفتید از بازیافت‌کنندگان چینی و هندی در ایران حمایت می‌شود؟

حمایت به آن معنی خیر. چرا از کسی که برای کشور ارزآوری دارد، استقبال نشود؟ مشکل از آنها نیست، در واقع مشکل از ماست. آنها مواد اولیه می‌خرند و می‌برند و در ازای آن ارز به کشور می‌آورند.

مشخص است تاکنون چه حجمی پسماند از ایران منتقل شده و تا چه میزان ارزآوری برای کشور داشته است؟

اعداد بزرگ است. درآمد سالانه یک دال ساله ساده در حوزه آخال کاغذ، ۴۰۰ میلیون دلار است. متأسفانه مشکلی که در اسناد بالادستی این صنعت وجود دارد، نبود یک بانک اطلاعاتی دقیق در این رابطه است که این امکان را نمی‌دهد آمار دقیقی وجود داشته باشد.

از چه زمانی مشخص شد دلالات خارجی به دنبال تأمین مواد اولیه این صنعت از ایران هستند؟

مشخص است تاکنون چه حجمی پسماند از ایران منتقل شده و تا چه میزان ارزآوری برای کشور داشته است؟ اعداد بزرگ است. درآمد سالانه یک دال ساله ساده در حوزه آخال کاغذ، ۴۰۰ میلیون دلار است. متأسفانه مشکلی که در اسناد بالادستی این صنعت وجود دارد، نبود یک بانک اطلاعاتی دقیق در این رابطه است که این امکان را نمی‌دهد آمار دقیقی وجود داشته باشد.

دوباره از شما می‌پرسم؛ آیا برای خروج این مواد

اولیه از داخل ایران برای این دلالات مشکلی ایجاد نمی‌شود؟ عوارضی گرفته نمی‌شود؟

خیر. این مواد اولیه هم کالا محسوب شده و شامل تعرفه می‌شوند و اقداماتشان کاملاً قانونی است. خیلی وقت‌ها دلال چینی و هندی وارد نمی‌شود و نماینده در ایران دارد.

یعنی دفتر نمایندگی در ایران دارند؟

حالات مختلفی وجود دارد. یک حالت آن است که نمایندگان شرکت هندی از فروشندگان داخلی و پیمانکارانی که با شهرداری‌ها در ارتباط هستند یا از طریق دلالات، مواد اولیه را تأمین می‌کنند. کارت بازرگانی هم دارند و کاملاً قانونی، عوارض آن را پرداخت می‌کنند و این مواد اولیه را بار کشتی می‌کنند و می‌برند. حالت دیگر، آن است که برای شرکت هندی و چینی آن‌قدر این موضوع دارای اهمیت است که در ایران دفتر نمایندگی می‌زند. این اقدام هم کاملاً قانونی است. اگر ایران هم از صنعتگر حوزه بازیافت حمایت کند، شاید یک ایرانی هم بتواند در همین حوزه در کشور عراق نمایندگی بزند.

آیا اکنون رقمی وجود دارد که صنعت بازیافت در ایران چقدر می‌تواند سودآوری داشته باشد؟

به‌طور مشخص عددی وجود ندارد، اما باید به این صنعت از نظر شاخص‌های ارزش‌افزوده نگاه کرد. صنعت بازیافت صنعتی است که برای تأمین مواد اولیه خود با ستانه خود پول زیادی پرداخت نمی‌کند اما نهاده آن هم‌ارز محصولات پتروشیمی و فولاد است. ضریب ارزش‌افزوده در صنعت بازیافت بالای صد درصد است و حتی به ۲۰۰ درصد در برخی از انواع آن می‌رسد. به‌عنوان مثال ارزش‌افزوده صنعت بازیافت صنایع الکترونیکی، ۷۰۰ درصد است. اگر در ایران هم حمایتی شود، قطعاً چنین ارزش‌افزوده‌ای را ایجاد خواهد کرد.

تاکنون در این حوزه تا چه میزان سرمایه‌گذاری شده است؟

رقم دقیقی برای آن وجود ندارد، اما براساس برآوردها حتما بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار ماشین‌آلات در این حوزه وجود دارد.

با توجه به اینکه پتانسیل سودآوری صنعت بازیافت بسیار بالاست، چقدر می‌تواند به کی‌کی کمک کند؟

صنعت بازیافت ماهیتاً صنعتی مردمی است. اساساً مردم پسماند تولید می‌کنند و هر جا مردم بیشتر باشند، صنعت بازیافت هم رونق بیشتری خواهد داشت. این صنعت احتیاجی به تکنولوژی پیچیده هم ندارد و در ایران در ابتدای راه خود قرار دارد، اما اشتغال‌آفرینی توأم با ارزش‌افزوده بالایی دارد. اقتصاد ایران اگر بخواهد از وضعیت رکودی خارج شود، باید روی صنایعی که چندان روی آنها کار نشده اما پتانسیل بالایی دارند، مانند صنعت بازیافت تمرکز کند.

آیا برآورد شده است این صنعت تا چه میزان اشتغال‌زایی ایجاد می‌کند؟

در ایران چنین برآوردی وجود ندارد، اما در سطح جهان، به ازای هر واحد پسماند، ۲۰ تا ۵۰ نفر مشغول به کار هستند. به‌عنوان مثال در صنعت اسقاط خودروی ایران، صد واحد اسقاط خودرو داشتیم که در هر واحد ۴۰، خانواده به‌طور مستقیم تأمین می‌شدند.

آیا برای رفع موانع بر سر راه صنعت بازیافت اقداماتی صورت گرفته است؟

تا پایان دولت آقای احمدی‌نژاد اصلاً حمایتی از این صنعت نشد. در ابتدای دولت آقای روحانی به‌صورت جدی این مسئله پیگیری شد و هیات دولت در خردادماه گذشته، بازنگری قوانین مدیریت پسماند و اسناد پایین‌دستی آن را تصویب و به سازمان حفاظت محیط زیست تکلیف کرد. خاتم ابتکار هم از این موضوع بسیار است. حدود ۹ ماه کارگروهی در اتحادیه بازیافت در این رابطه تشکیل شد و قوانین کشورهای دیگر در این خصوص و موانع اجرای آنها را هم در ایران بررسی کردیم. سند بازنگری را جمع‌آوری کردیم و به سازمان محیط زیست ارجاع دادیم که احتمالاً کارگروه بازنگری تشکیل شود. این سند به‌روز و علمی است و حتی ایران می‌تواند آن را به‌عنوان سندی ارزشمند در مجامع محیط زیست جهانی ارائه دهد.

خبر

رئیس جدید صندوق توسعه ملی در انتظار حکم رئیس جمهور

● **مهر:** یک مقام مسئول گفت: انتصاب احمد دوست‌حسینی به ریاست صندوق توسعه ملی، در انتظار امضای حکم از سوی رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس هیات امنای صندوق است. یک مقام مسئول دولتی با بیان اینکه انتصاب احمد دوست‌حسینی به‌عنوان رئیس جدید صندوق توسعه ملی به صورت جدی مطرح است و او در پروسه انتصاب قرار گرفته است، افزود: حضور وی در صندوق توسعه ملی به‌عنوان رئیس در انتظار تأیید و امضای حکم از سوی رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس هیات امنای صندوق است. این مقام مسئول دولتی با بیان اینکه رئیس‌جمهور با این گزینه موافق است، تصریح کرد: این گزینه از سوی وزیر اقتصاد پیشنهاد نشده و به نظر می‌رسد که این گزینه از سوی افراد دولتی که به رئیس‌جمهور نزدیک هستند، پیشنهاد شده است.

خاموشی‌های تابستانی آغاز شد

● **مهر:** با افزایش مصرف در ساعات پیک و ثبت رکوردهای جدید مصرف برق، دور جدید خاموشی‌های پرکننده برین بوق ۴۵ دقیقه تا یک‌ساعت‌۳۰ دقیقه در نقاط مختلف تهران از روز جمعه آغاز شد.

متمم‌پرورنده سوختی ۴۱۲هزارلیتری برکنار شد

● **تسنیم:** علی‌اکبر مختاری، مدیرکل تعزیرات حکومتی البرز، با بیان اینکه رئیس ناحیه نفت یکی از بخش‌های استان بیش از ۱۲هزار لیتر سوخت غیرمجاز به یکی از شرکت‌های راه‌سازی تحویل داده است، گفت: رئیس ناحیه نفت این بخش متخلف شناخته‌شده و حکم برکناری وی صادر شده است.

هنوز قراردادی امضا نشده، تفاهم‌نامه معتبر است

● رضا جعفرزاده، مشاور رسانه‌ای رئیس و مدیر روابطعمومی سازمان هواپیمایی کشوری، در واکنش به اخبار و گزارش‌های منتشرشده یکی، دو روز گذشته در بعضی از رسانه‌ها تحت عناوین «احتمال لغو قراردادهای فروش بوتینگک و ایرباس به ایران» و «قراردادهای بوتینگک و ایرباس با ایران در خطر است» و پیگیری خبرنگاران، گفت: بحث لغو قرارداد در کار نیست، هنوز قراردادی امضا نشده، تفاهم‌نامه معتبر است، طرفین بایدند هستند و تغییری در روند کار اتفاق نیفتاده است. جعفرزاده گفت: پیگیری موضوع از سوی دکتر آخوندی، وزیر راه و شهرسازی و دستگاه دیپلماسی در دستور کار قرار دارد.

ادامه از صفحه اول

تلنگری به حذف حبس پزشکان

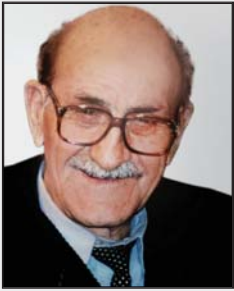
همان‌طورکه در رسیدگی‌های هیات‌های انتظامی همواره محوریت مجازات بر توبیخ کتبی است. بدیهی است نگارنده حاضر است مدارک و دلائل خود را جهت اثبات ادعا به هر مرجع صالحه قانونی تسلیم نماید. برخلاف طرحی که در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس مطرح است، پزشکان وارسته و وظیفه‌شناس و انسان‌دوست نه‌تنها حذف حبس از مقررات مربوط به مجازات قتل‌نفس غیرعمدی را مطلوب نمی‌دانند؛ بلکه درواقع خواهان برخورد متناسب با پزشکان خطاکارند تا ضمن حفظ خصیصه بازراندگی اخطاهای مکرر همکاران متخلف آنان، شان جامعه پزشکی نیز محفوظ باشد. گذشته از اینکه مجازات یک تا سه سال حبس ماده ۶۱۶ مرقوم نیز با اعمال کلیفات مخففة از مجازات درجه پنج به درجه هشت می‌تواند تعدیل و تخفیف یابد؛ ولی معلوم نیست چرا و با کدام توجیه قانونی یا عادلانه باید این قشر خاص را که برخی از آنان انتقاد بجا را نیز برنمی‌تابند، از شمول مقررات ماده، از حیث مجازات قانونی حبس در قتل غیرعمدی، مستثنی کرد؟ آیا قائل‌شدن چنین امتیازی آن هم درباره قشری که سروکارش با جان و سلامت انسان‌هاست و خطر رعایت این مهم سوگند یاد کرده، دوزرن قانون اساسی و مصداق «تبعض نازراء» و مغایر با «اصل تساوی عموم در برابر قانون» نیست که بنده‌ای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون مذکور بر آن تأکید دارد؟

تحلیل زلزله‌های کوچک اخیر تهران

... و رخداد زمین‌لرزه مهم بعدی را با برآورد منظم احتمال رخداد در بازه‌های زمانی بعدی بیان کرد. پیرامون تهران و محدوده شهری تهران به یک میزان در معرض خطر و ریسک زلزله نیستند. میزان ریسک نیز در هریک از نواحی استان تهران و محدوده کلان‌شهر تهران به میزان متفاوتی محاسبه می‌شود. نواحی مرکزی و جنوبی تهران با تمرکز بالای جمعیت و بافت فرسوده و حاشیه‌نشین، بیشترین ریسک را در داخل شهر تهران نشان می‌دهند. برای هر ناحیه پیرامون شهر تهران برآوردهای دقیق خطر و ریسک برای تدقیق تصویری که از میزان خطر و ریسک زمین‌لرزه‌های مهم بعدی داریم و همچنین هدایت کوشش‌های کاهش ریسک زلزله در استان تهران الزامی است.



تنها اوست که می ماند



با نهایت اندوه به اطلاع میرساند

پرویز اعظمی بیرانوند(لرستان)

که شرافتمندانه و استوار زیست، آرام رفت...

در سوگ او می نشینیم.

مراسم بزرگداشت در تهران روز دوشنبه مورخ

۹۵/۰۵/۰۴ ساعت ۱۶:۰۰ الی ۱۷:۳۰ در مسجد

جامع شهرک غرب ،ابتدای خیابان حسن سیف

منعقد می گردد.

بازماندگان

هرقدر این روزها از گوشه و کنار دنیا و ایران،

اخبار بد تصادف و ترور مخابه برچجم و جذاب برای اهالی بازار سرمایه، خبرهای خوب می‌رسد! شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در ادامه تکمیل روند صعودی روز شنبه، دیروز ۲۴۹ واحد دیگر به رقم پیشین خود افزود تا ضمن ورود به کانال ۷۵هزارواحدی، امیدوارانه به روزهای آتی فکر کنند. ارزش کل معاملات ۴۱۲ میلیارد تومان رقم خورد که ۲۵۱ میلیارد تومان آن در بورس تهران و ۱۶۱ میلیارد تومان دیگر در فرابورس ثبت شد. بیشترین ارزش معاملات در بورس به سهام شرکت‌های زامیاد، فولاد مبارکه، سرمایه‌گذاری سایا، معدنی کل‌کهر و سرمایه‌گذاری آتیه دماوند تعلق داشت. نمادهای فولاد ۹۳، فملی با

علی سیدخسرشاهی
تحلیلگر بازارهای مالی



۸۶، شهنبد را ۳۱ و ککل با ۲۲ واحد، بیشترین اثر

مثبت بر شاخص را داشتند و فارس، غدیر و کچاد بیشترین تأثیر منفی را از خود بر جا گذاشتند. در گروه پتروشیمی بیشتر نمادها به رنگ قرمز نمایان شدند و در گروه بانک بسیاری از نمادها در انتظار کشایش بعد از توقف مجمع هستند. خودرویی‌ها هم همچنان پرچم و جذاب برای سرمایه‌گذاران جلوه می‌کنند. در روزهای آینده هم نمادهای زیادی باز خواهند شد و باید دید چه در انتظار سرمایه‌گذاران خواهد بود. این روزها با کاهش نرخ سود بدون ریسک از یک‌سو و از دیگر سو، صعود ملایم قیمت‌های جهانی فلزات اساسی و کالاهای کمی امیدواری وارد فضای بازار سرمایه شده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از رشد اقتصادی حدود سه تا چهار در سال جاری است. گزارش‌های سه‌ماهه بسیاری از شرکت‌های بورسی هم کمی بوی امید می‌دهد و شاید بتوان انتظار داشت بسیاری از شرکت‌ها در گزارش‌های شش‌ماهه خود تعدیلات مثبتی را انجام دهند.